

## کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
 Tel: 0049 1633458007  
 E-mail: asangaran@aol.com  
 مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان  
 Tel: 00358 405758250  
 E-mail: abdolgolparian@yahoo.com  
 همکاری سر دبیر: بهمن خانی  
 E-mail: khani@live.nl

# ایسکرا

## ۳۷۷

اساس سوسیالیسم  
 انسان است.  
 سوسیالیسم  
 جنبش بازگرداندن  
 اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۷ شهریور ۱۳۸۶، ۲۹ اوت ۲۰۰۷

سر دبیر: عبدال گلپریان abdolgolparian@yahoo.com

### هفتم سپتامبر: اقدام جهانی علیه اعدام ها در ایران! با تمام قوا برای توقف اعدام!

کنند که توجه ها در دنیا یکبار دیگر به موقعیت ما جلب شده و از اجرای احکام اعدام جلوگیری نکنند. اعدام ناعادلانه است و باید بهر طریق ممکن در ایران و در دنیا ممنوع شود."

این بخشی از نامه ۲۶ نفر از زندانیان زیر حکم اعدام و زندانیان صفحه ۲

"ما زندانیان محکوم به اعدام و زندانیان اسیر در زندانهای اوین و گهردشت و سنندج و ارومیه و نرده و کرمانشاه و همه زندانهای ایران از همگان دعوت میکنیم در یک اعتراض دسته جمعی و متحدانه روز ۱۶ شهریور برابر با ۷ سپتامبر ۲۰۰۷ در سراسر جهان به میدان بیایند و با شرکت خود در این حرکت اعتراضی کاری

### پرامون احتمال در گیری در اردوگاه سازمان زحمتکشان

ممکن است قربانی درگیری نظامی این باندهای غیر مسئول بشوند. سازمان زحمتکشان به کمک مادی و معنوی اتحادیه میهنی و شخص جلال طالبانی با اهداف معین سیاسی سرهم بندی شد. اینها در سال ۲۰۰۰ از کومله جدا شدند. همان موقع ما اعلام کردیم که اینها نه یک جریان سیاسی بلکه یک باند فالانژ هستند. جریانی که با صفحه ۲

اند. این جناحها همدیگر را به دزدی و استفاده از اسلحه متهم کرده اند. پلیس سلیمانیه تعدادی از افراد این سازمان را بازداشت کرده و تلاش میکند در نقش میانجیگر ظاهر شود. در چنین شرایطی هر آن احتمال درگیری نظامی بین این جناحها به رهبری عبدالله مهتدی و عمر ایلخانیزاده وجود دارد. جان کسانی که در اردوگاههای این جریان مستقر هستند در خطر است و



محمد آسنگران

طبق اخبار رسیده سازمان زحمتکشان دچار انشقاق شده و دو جناح رقیب در اردوگاه شان در نزدیک سلیمانیه در مقابل هم سنگر گرفته و با زرد خوردهای فیزیکی زمینه درگیری نظامی را آماده کرده



### سازمان زحمتکشان چیزی جز این نیست صف این باند سیاهی را ترک کنید

عبدال گلپریان

صفحه ۳

### قرار مصوب جلسه هیئت مدیره اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار در باره احکام شیت امانی، صدیق کریمی و یازده نفر از کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه امسال در سنندج

صفحه ۴

آدرس تماس و مشخصات فنی کانال جدید به این شرح است:

ماهواره هات برد ۸  
 فرکانس ۱۲۳۰۳ مگاهرتز  
 سیمبل ریت ۲۷۵۰۰  
 اف ای سی ۳/۴

پلاریزاسیون عمودی (Vertical)

سایت کانال جدید: <http://www.newchannel.tv>

آدرس تماس: [kanaljadid@yahoo.com](mailto:kanaljadid@yahoo.com)

[tv.internasional@yahoo.com](mailto:tv.internasional@yahoo.com)

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷ و ۰۰۴۴۷۹۰۴۴۱۳۵۲۵



### کارگران شرکت اتوبوسرانی کرمانشاه دست به اعتصاب زدند

صفحه ۲

### فراخوان به اعتراض علیه موج اعدامها و فشار به زندانیان در ایران

صفحه ۳

### تصاویری از محمود صالحی در بیمارستان و بسته شدن او با دستبند به تخت

صفحه ۴

### از میان نامه ها و سؤالات

### اخباری از شهرهای کردستان

صفحه ۵

صفحه ۶

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

## پیرامون احتمال درگیری در اردوگاه . . .

حملات رکیک و غیر سیاسی به کمونیزم و ایده های انسانی و برابری طلبانه، اعلام موجودیت کرد از همان روز اول سرنوشتش تا حدود زیادی معلوم بود. جریانی که با سو استفاده از اسم کومه له کوشید، سیاستهایی قومپرستانه را به اسم کومه پیاده کند. جریانی که در جنایات احزاب حاکم در کردستان و امریکا علیه مردم عراق همراهی کرد. و از قیل امکاناتی که از احزاب ناسیونالیست حاکم در کردستان عراق و آمریکا دریافت میکرد و در مقابل اینها خم و راست میشد، اکنون دچار بحران عمیقی شده است. بحرانی که به اسلحه کشیدن در مقابل هم و احتمال خونریزی نزدیک شده است.

ما قبلاً گفتیم باند مهتدی-ایلخانیزاده با سرعت اسم کومه و سو استفاده کردن از تاریخ انسانهای چپ و کمونیست یک جریان باندهی است که به دنبال اهدافی غیر انسانی است. گفتیم اینها یک جریان سیاسی نیستند. گفتیم سرگردن گیری و باج خواهی به کمک نیروهای اتحادیه میهنی از همان روز اول شکست خورده و بی اعتبار است.

حقیقت اینست که اساساً کمکهای اتحادیه میهنی و شخص طالبانی این جماعت را سرپا نگه داشت. پول و اسلحه و امکانات در اختیار آنها گذاشتند. روابط حسنه سیاسی و اقتصادی حاکمان کردستان عراق با حکومت اسلامی و خوش خدمتی به جنایتکاران حاکم بر ایران، سر فصل سیاست طالبانی و بارزانی در عراق است و سازمان زحمتکش با اتکا به این احزاب سر پا مانده است. حکومت اسلامی در صدد ایجاد انشقاق و چند دستگی در بین اپوزیسیون و در عین حال اعمال نفوذ غیر مستقیم در بین اپوزیسیون بود. طالبانی این سیاست رژیم اسلامی را در کومه اجرا کرد. افراد اصلی این پروژه در کومه عبدالله مهتدی و ایلخانیزاده بودند.

بدنبال اشغال عراق و مستقر شدن آمریکا در این کشور و منطقه، سران باند زحمتکش که در آرزوی موقعیت امروزی طالبانی و بارزانی بسر میبردند، آب از دهانشان جاری

شد و به مذاکره و بند و بست با مقامات دست چندم آمریکا پرداختند. اشغال عراق و نقش آمریکا در عراق را شانس برای خود در کردستان ایران قلمداد کردند. آنها با این افق که به کمک آمریکا و طالبانی میتوانند در کردستان ایران به نان و نوایی برسند، در خارج کشور در میان افراد متفرق و حاشیه ای که نزدیکی فکری و سیاسی به این باند داشتند کسانی را دور خود جمع کردند.

طولی نکشید که ماشین جنگی آمریکا در عراق به گل نشست و امید اینها به قدرت آمریکا در ابهام فرو رفت. فاکتور رادیکالیسم در کردستان ایران ضربه کاری دیگری بر بیکر این جریان بود. جنبش اجتماعی گسترده کارگران، زنان و جوانان و مردم در ایران نوید تغییرات زیر و رو کننده و رادیکالی را داد. به همین دلیل امید طالبانی و هوادارانش در سازمان زحمتکش هم در ابعاد منطقه ای و هم در ابعاد داخلی به تاریکی گرائید. بنابر این در صفوف این سازمان قومپرست اختلافات بالا گرفت. متحدین دیروز (مهتدی - ایلخانیزاده) به رقبای امروز تبدیل شدند. هر کدام دیگری را عامل شکست و بی آیندگی سازمانشان معرفی میکنند. اینها غافل از این بودند که قدرت جنبش رادیکال و سوسیالیستی در کردستان ایران و نقش حزبی مثل حزب کمونیست کارگری میتواند رویاهای هر جریان قومپرست در ایران را به یاس و ناامیدی تبدیل کند. جریان زحمتکش با اتکا به عقبمانده ترین فرهنگ و سنت فرتوت جنبش ناسیونالیستی و قومپرستانه تلاش کرد جایی در جامعه باز کند اما تلاشهایش به شکست انجامید. چنانچه اکنون با تناقضاتی روبرو شده اند که در اردوگاههایشان در زیر سایه طالبانی در مقابل هم سنگر گرفته و هر کدام دار و دسته خود را دارند. طالبانی

ناچار شده است نیروی پلیس بفرستد که این پیروان ناامید و شکست خورده و از کوره در رفته را آرام کند. اما نمایندگان طالبانی ناامید برگشته و فقط خبر اقدامشان را روی سایتشان

۲۶ شهریور ۱۳۸۶

سوسیالیسم پیاخیز!

## هفتم سپتامبر: اقدام جهانی علیه اعدام ها . . .

از صفحه ۱

سیاسی در ایران است که روز ۲۵ اوت منتشر شد. حزب کمونیست کارگری همه مردم آزاده در سراسر جهان و همه نیروهای اپوزیسیون و همه سازمانهای مدافع حقوق انسانی و سازمانهای کارگری را فرامیخواند تا به ندای زندانیان سیاسی پاسخ دهند و در روز ۷ سپتامبر (۱۶ شهریور) هر جا که میتوانند با برپایی تظاهرات، ارسال نامه و فکس به مقامات و سفارتخانه های جمهوری اسلامی، اعمال فشار بر دولت ها و مقامات و نهادهای بین المللی، و به هر وسیله مناسب دیگر علیه اعدام ها در ایران اعتراض کنند و خواهان توقف فوری اعدام و پایان دادن به مجازات اعدام در ایران شوند.

روز ۷ سپتامبر (۱۶ شهریور) در همه شهرهای جهان دست در مقابل سفارتخانه های جمهوری اسلامی و میادین شهرها تظاهرات خواهیم کرد و از همه مردم آزاده جهان و از همه ایرانیان مقیم خارج کشور و همه جریانات اپوزیسیون دعوت میکنیم تا در این تظاهرات ها شرکت کنند تا هرچه قدرتمندتر و همصدا با اسیران سیاه چال های رژیم اسلامی، همراه با مردم به جان آمده در ایران به جمهوری اسلامی اعتراض کنیم و خواهان توقف فوری احکام اعدام و مجازات اعدام در ایران شویم.

فراخوان زندانیان سیاسی خطاب به مردم در ایران و در سراسر جهان است. همه مردم، کارگران، دانشجویان، معلمان، همه زنان و مردان آزاده در ایران را فرامیخوانیم به ندای زندانیان سیاسی پاسخ دهند و با هراتکاری که میتوانند روز ۱۶ شهریور را به روز اعتراض علیه اعدام تبدیل کنند و هرچه رساتر خواهان توقف فوری اعدام شوند.

گسترده باد همبستگی با ۷ سپتامبر  
روز اقدام جهانی برای توقف اعدام در ایران!

حزب کمونیست کارگری ایران

## کارگران شرکت اتوبوسرانی کرمانشاه دست به اعتصاب زدند

اتوبوسرانی کرمانشاه حمایت میکند و همه کارگران و مردم کرمانشاه را به حمایت از اعتصاب این کارگران فرا میخواند. میخاند.

آزادی، برابری،  
حکومت کارگری  
مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد جمهوری  
سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران  
۵ شهریور ۱۳۸۶  
۲۷ اوت ۲۰۰۷

حزب کمونیست کارگری از  
اعتصاب کارگران شرکت

برای رفع تبعیض

## سازمان زحمتکشان چیزی جز این نیست صف این باند سیاهی را ترک کنید

عبدل گلپریان

جامعه حاکم کنند. روز این وقایع را زمانی که رهبران این باند دست به ایجاد آن زدند و تلاش کردند با استفاده از نام کومه له این سازمان دست ساز را بهم بیافند، روشن ساختیم. همان وقت در سال ۲۰۰۰ خاطر نشان کردیم که اینها پیچ و مهره های ستونهای سناریوی سیاه هستند و هشدار دادیم که اینها خطرناک و مضر به حال جامعه خواهند بود. ظاهر داستان و به نقل از محافل خودشان این است که گویا بر اثر اختلافاتی در مورد چگونگی برگزاری کنگره و انواع توطئه هایی که هر یک در مقابل دیگری برای پیش بردن پروسه انتخابات و غیره در دستور داشته اند، این صف آراییی بروز کرده است. اما اینها و عارضه های دیگری از این دست، صرقت اموال و امکانات تشکیلاتی، تلویزیون و اموال نهادهای دیگرشان، هنوز عمق ماهیت این جریان را توضیح نمی دهد. کما اینکه نهایت

بنا به اخباری که از اروگاه سازمان زحمتکشان در کردستان عراق می رسد، درگیری میان دو جناح درون این سازمان بالا گرفته است تا جاییکه نیروهای پلیس شهر سلیمانیه برای جلوگیری از هر گونه زد و خوردی میان طرفین درگیر در این سازمان، اردوگاه آنان را به کنترل خود درآورده و تا کنون ۸ نفر را دستگیر و روانه زندان کرده اند. جناحهای درگیر در این ماجرا به سرکردگی (عبدالله مهتدی و عمر ایلخانی زاده) هر یک دیگری را به مصادره اموال سازمان متهم می کنند. فضای حاکم بر نیروهای طرفین به گونه ای است که هر آن احتمال درگیری مسلحانه در میان آنان وجود دارد. تصویری که هم اکنون سیمای تمام عیار این جریان باند سیاهی را در جلو چشم همگان قرار داده است، همان نقش و رسالتی است که جریانات قوم پرست نظیر این سازمان می خواهند بر سر مردم و

ایران به نان و نوایی برسند. همزمان با شکست آمریکا در تحقق این استراتژی و نا کام ماندن این سیاست که در عراق کشتی اش را به گل نشانده بود، چرتکه های این جریانات باندسیاهی هم بریده شد و تمامی آرزوهایشان در بجان هم انداختن مردم و بریدن شیرازه مدنیت جامعه نقش بر آب شد. رویدادهای اخیر در صف آراییی نیروهای مسلح این دو جناح در سازمان زحمتکشان، را باید بر بستر این اوضاع بررسی و جستجو کرد. همان ایام و بارها گفته بودیم و نوشتیم که جریان قومی باند زحمتکشان، نه تنها هیچگونه تعلق به خواست و مطالبات مردم کردستان ندارد بلکه سراسرست جریانی برای تکرار فاجعه ای از نوع صرب و کروات است. عملکرد امروز این دارو دسته در تقابل با همدیگر، صحت این ادعا را در روز روشن و در جلو چشم همگان بخوبی نشان می دهد. که ظرفیت و استعداد سازمانهای ناسیونالیست و قوم پرست برای تبدیل جامعه به جنگ خونین همسایه ها با همدیگر در چه مقیاسی است. این دو جناح حتی همسایه همدیگر نبوده اند و همگی

اهل یک سازمان و با اهدافی مشترک به چنین کارزار خطرناکی در گشودن آتش بر روی همدیگر قرار گرفته اند.

مردم کردستان باید بهتر از هر زمان دیگری ماهیت چنین جریانی را شناخته و اهداف و عملکرد آنان را در میان جامعه افشا و ترد نمایند. وقایع اخیر در اردوگاه این دارو دسته قوم پرست به اندازه دهها سال به مردم نشان داد که جامعه با چه ویروسهای خطرناکی روبروست. کسانیکه تا کنون در شهرهای

کردستان نسبت به اهداف و سیاست این سازمان توهم داشته اند و به اشتباه این صف را برگزیده اند، وقت آن است که در انتخابی که کرده اند عمیقاً بیاندیشند، تجدید نظر کنند و از این جریان فاصله بگیرند. اعمال چند روز اخیر جناحهای درگیر در این سازمان و نسبت به کسانیکه تا دیروز آنان را نزدیکترین افراد خود می دانستند این را اثبات می کند که در صورت تسلط آنان بر چند روستا و پاسگاه، چه فجایع ناگواری را علیه مردم تدارک خواهند دید.

۲۷ اوت ۲۰۰۷

## فراخوان به اعتراض علیه موج اعدامها و فشار به زندانیان در ایران به نهادهای مدافع حقوق بشر! به همه مخالفین اعدام و شکنجه و زندان!

ما زندانیان سیاسی و زندانیان زیر حکم اعدام چشم به انتظار اقدامات شما هستیم. اجازه ندهید فاجعه دیگری در ایران تکرار شود. ما احساس خطر میکنیم و هیچ راهی بجز متوسل به شما انسانهای آزاده نداریم.

۲۰ نفر در مشهد، ۲۶ نفر در کرج و تعداد دیگری در تهران و تبریز و شیراز و دیگر شهرها وجود دارد. ما برای جلوگیری از وقایع دلخراش و غیر قابل تصور، به شما متوسل میشویم. بهر طریق ممکن کاری کنید که این اعدامها اتفاق نیفتد. ما زندانیان محکوم به اعدام و زندانیان اسیر در زندانهای اوین و گوهردشت و سنندج و ارومیه و نقده و کرمانشاه و همه زندانهای ایران از همگان دعوت میکنیم در یک اعتراض دسته جمعی و متحدانه روز ۱۶ شهریور برابر با ۷ سپتامبر ۲۰۰۷ در سراسر جهان به میدان بیایند و با شرکت خود در این حرکت اعتراضی کاری کنند که توجه ها در دنیا یکبار دیگر به موقعیت ما جلب شده و از اجرای احکام اعدام جلوگیری کنند.

ما زندانیان اسیر در زندانهای ایران، از همه انسانهای آزاده در سراسر جهان درخواست میکنیم که به موقعیت ما در زندانها توجه کرده و بویژه به اوضاع فعلی ما و خطر انجام اعدامهای گسترده در ایران توجه جدی نمایند. ما از درون زندانها پیام خود را به گوش شما میرسانیم. به این امید که با اقدامات و فعالیتهای خودتان، مانع اجرای احکام گسترده اعدام در ایران شوید. اعدام نااعدالانه است و باید بهر طریق ممکن در ایران و در دنیا ممنوع شود. در روزها و هفته های اخیر تعدادی از جوانان و تعدادی از فعالین سیاسی متاسفانه در شهرهای مختلف ایران اعدام شدند. هنوز خطر اعدام ۱۲ نفر در کرمان ،

- دیزل آباد کرمانشاه)  
۲۰ - پیمان خنجری ( زندان  
دیزل آباد کرمانشاه)  
۲۱ - خالد هردانی ( زندان  
رجایی شهر)  
۲۲ - ناصر خیر الهی ( زندان  
رجایی شهر)  
۲۳ - شهرام پور منصوروی  
( زندان رجایی شهر)  
۲۴ - لطیف محمدی ( زندان  
رجایی شهر)  
۲۵ - مصطفی سلیمی ( زندان  
رجایی شهر)  
۲۶ - فرهنگ پور منصوروی  
( زندان رجایی شهر)  
این نامه در عین حال به امضا  
تعداد دیگری از زندانیان رسیده است  
که اسامی آنها به زودی اعلام خواهد  
شد. امضا این نامه ادامه دارد.
- ۳ شهریور ۱۳۸۶ برابر  
۲۵ اوت ۲۰۰۷  
یاز تکتیر از  
کمیته بین المللی علیه اعدام

- ۷ - بهروز جاوید تهرانی ( زندان  
گوهردشت)  
۸ - علیرضا کرمی خیرآبادی  
( زندان گوهردشت)  
۹ - افشین بایمانی ( زندان  
گوهردشت)  
۱۰ - سعید سنگر ( زندان  
ارومیه)  
۱۱ - ساسان بابایی ( زندان  
سنندج)  
۱۲ - جعفر ملائکه ( زندان  
نقده)  
۱۳ - کیوان رفیعی ( بند ۷  
زندان اوین)  
۱۴ - محمد حسن فلاحی زاده  
( بند ۳۵۰ زندان اوین)  
۱۵ - ابوالفضل جهاندار ( بند  
۳۵۰ زندان اوین)  
۱۶ - یاسر مجیدی ( زندان  
بیرجند)  
۱۷ - علی حیدریان ( بند ۳۵۰  
زندان اوین)  
۱۸ - فرزاد کمانگر ( بند ۳۵۰  
زندان اوین)  
۱۹ - اکبر سنجابی ( زندان

## قرار مصوب جلسه هیئت مدیره اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار در باره احکام شیث امانی، صدیق کریمی و یازده نفر از کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه امسال در سنندج

امانی و صدیق کریمی و ۱۱ نفر از کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه سنندج موثر واقع نشود و دادگاه تجدید نظر به لغو احکام صادره مبادرت ننماید ما ناچار خواهیم شد به همراه کارگران نساجی کردستان و شاهو... اقدام به برگزاری تجمعی اعتراضی بنماییم. ما از هم اکنون اعلام می‌داریم، تبعات ناشی از این تجمع بر عهده کسانی است که بصورت غیر قانونی فرمان حمله به مراسم اول ماه مه در سنندج را صادر کرده و در ادامه شیث و صدیق را به زندان و جریمه و یازده کارگر دیگر را به زندان و شلاق محکوم کردند.

اتحادیه سراسری کارگران  
اخراجی و بیکار ۶/۶/۱۳۸۶

[www.ettehade.com](http://www.ettehade.com)

[ekhraji@gmail.com](mailto:ekhraji@gmail.com)

در مراسم اول ماه مه سنندج ۳- ملاقات با شورای شهر سنندج و طرح خواست لغو بی قید و شرط احکام صادره در باره شیث و صدیق و ۱۱ کارگر بازداشت شده در مراسم اول ماه مه سنندج ۴- مراجعه اعضای هیئت مدیره اتحادیه و کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه سنندج به مجلس شورای اسلامی و ارائه امضاهای جمع آوری شده به این مجلس و طرح خواست لغو فوری احکام صادر شده در باره شیث و صدیق و ۱۱ کارگر بازداشت شده در مراسم اول ماه مه سنندج و همچنین طرح خواست آزادی فوری محمود صالحی و منصور اسالو از زندان ۵- مراجعه همین هیئت به دفتر رئیس قوه قضائیه و ارائه امضاها و طرح خواسته های فوق با رئیس قوه قضائیه ۶- چنانچه اقدامات فوق در لغو احکام صادره بر علیه شیث

سراسری کارگران اخراجی و بیکار به همراه صدها کارگر کارخانه نساجی کردستان و شاهو...، در برابر این احکام و اجرای آنها سکوت نخواهیم کرد، ما اجازه نخواهیم داد نمایندگان و همکاران ما روانه زندان شوند. در این راستا اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار به همراه کارگران نساجی کردستان و شاهو که از صدور این احکام در حق نمایندگان و همکارانشان بشدت خشمگین هستند، طی روزهای آینده اقدامات زیر را انجام خواهیم داد.

۱- مراجعه به افکار عمومی از طریق انعکاس هر چه بیشتر مسئله احکام صادر شده در باره شیث و صدیق و ۱۱ نفر از کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه سنندج ۲- ملاقات با نمایندگان استان کردستان و طرح خواست لغو بی قید و شرط احکام صادره در باره شیث و صدیق و ۱۱ کارگر بازداشت شده

کارگران نساجی کردستان و شاهو بوده اند و در طول این سالها قاطعانه از حقوق کارگران این کارخانه ها دفاع کرده اند. صدیق کریمی و سایر کارگران محکوم شده نیز هر کدام به نوبه خود جزو کارگرانی بوده اند که کاری جز دفاع از حقوق انسانی شان نکرده اند.

صدور احکام زندان و جریمه برای شیث و صدیق و حکم ۹۱ روز بازداشت و ۱۰ ضربه شلاق برای یازده نفر از کارگران در سنندج چیزی جز انتقامجویی صاحبان سرمایه و عواملشان از شیث و خالد و دیگر کارگران نیست، با صدور این احکام از یک طرف می خواهند انتقام کارفرمایانی را که چیزی جز سیه روزی برای زندگی کارگران رقم زده اند از شیث و خالد و صدیق... بگیرند و از طرف دیگر می خواهند کاری کنند که هیچگاه، هیچ کارگری جرات دفاع از حقوق انسانی اش را بر خود ندهد. ما کارگران عضو اتحادیه

شیث امانی، صدیق کریمی، خالد سواری، یدالله مرادی، حبیب الله کله کانی، فارس گویلیان، صدیق امجدی، صدیق صبحانی، عباس اندریاری، محی الدین رجبی، طیب ملائی، طیب چتانی و اقبال لطیفی هیچ جرمی مرتکب نشده اند، آنان بنا بر بدیهی ترین حقوق انسانی خود و بنا بر سنت طبقه کارگر جهانی در ۱۱ اردیبهشت ماه امسال، اقدام به برگزاری مراسم این روز در مقابل اداره کار سنندج کرده اند و این حق مسلم آنان بوده است.

یکسال از صدور حکمی در اداره کار سنندج به نفع ۳۳۲ نفر از کارگران نساجی کردستان که شیث امانی نماینده و وکیل قانونی آنان بوده است میگذرد، اما این حکم همچنان مسکوت گذاشته شده است و پس از یکسال به جای این حکم، شیث امانی را به زندان و جریمه محکوم کرده اند.

شیث امانی و خالد سواری در طول سالهای گذشته نماینده منتخب

**حاکمان اسلامی سرمایه در وحشت از سرنوشتی نظام گندیده و استثمارگرشان توسط طبقه کارگر، با فعالین کارگری بدین گونه رفتار می کنند. این توحش و بربریت از سر استیصال است، رژیم جمهوری اسلامی رفتنی است این رژیم باید برود.**

تصاویری که ملاحظه می کنید محمود صالحی را به هنگام انتقال موقت به بیمارستان و در حالیکه او را با دستبند به تخت بسته اند نشان می دهد.



منصور اسانلو

**فعالین کارگری،  
منصور اسانلو و محمود صالحی  
باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند!**



محمود صالحی

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker- communist Party of Iran

**مردم!  
جمهوری اسلامی را عقب برانید!  
علیه رژیم اعدام و سنگسار و زندان  
در داخل و خارج کشور به میدان بیایید!**

## از میان نامه ها و سؤالات

**نجات از پیرانشهر :** با تشکر از پاسخی که به سؤالاتم دادید. در ادامه همین مسئله باید بگویم که من مخالف جدا شدن و ایجاد کشوری مستقل هستم. سؤال من این است که چرا باید کردستان مستقل شود؟

**عبدل گلپریان :** نجات عزیز ممنون از طرح سؤالی که در ادامه پاسخ به سؤالات قبلی عنوان کردید. ببینید سالهاست که احزاب و جریانهای ناسیونالیست کرد با طرح ایده خودمختاری و غیره در تلاش هستند تا مردم منتسب به ملیتهای مختلف را در چهارچوب و قالبهای محلی تقسیم بندی کنند. یکی از دلایل این امر که احزاب و سازمانهای ناسیونالیست کرد و با ارائه این تقسیم بندیها بدان چسبیده اند ناشی از تبعیضی است که حکومتهای مرکزی آریامهری و جمهوری اسلامی بر ساکنین مختلف مردم کشور قائل شده اند. این مسئله همچنان بعنوان دردی بر پیکر جامعه بی جواب مانده است. همین تبعیض تاریخی در شرایط و اوضاع و احوال سیاسی، اقتصادی و اجتماعی امروز که خواست، مطالبه و مبارزات مردم در جامعه هر روز بیشتر رنگ طبقه‌بندی بخود می گیرد، همچنان از جانب احزاب ناسیونالیست کرد باد زده می شود.

همانند هم با جهنمی که رژیم اسلامی فراهم کرده است روبرو هستند. برای خاتمه دادن به این اوضاع تاریک و برای ایجاد یک زندگی بهتر، باید میلیونها مردمی که با این سیه روزی دست بگریبان هستند، برای تغییر این وضع و بطور متحد و یک پارچه به میدان آمده و رژیم جمهوری اسلامی را از سر راه خود بردارند.

حال با توجه به نکات فشرده ای که اشاره کردم، احزاب ناسیونالیست و قومی همچنان بر طبل خود می کوبند و با طرح شعار و اهدافی که دارند، از یک سو این اتحاد و همسنوشتی طبقاتی را می خواهند متفرق کنند و از سوی دیگر برای کسب موقعیتی برای خود و بعنوان حاکمان گوشه‌هایی از شهر و روستا و تحت عنوان حق ملی یا خودمختاری، همان نقشی را در قدرت ایفا کنند که دولت مرکزی تا کنون علیه مردم ایفا کرده است.

اینکه چرا ما این حق را برای مردم کردستان قائل هستیم که اگر به جدایی رای بدهند امری پذیرفته شده باید باشد، از این روست که قائل شدن به این حق سبب می شود که احزاب ناسیونالیست از مسئله کرد و ادعای دفاع از حقوق مردم کردستان بیش از این تغذیه نکنند و آنرا بعنوان وسیله و بهانه ای برای تفرقه در میان مردم از آن بهره نجویند.

برای آرای شهروندان جامعه که به ملیتی منتسب شده اند، این حق را باید برسمیت شناخت که اگر اکثریت مردم خواستند جدا شوند، می توانند جدا شوند. تلاش احزاب ناسیونالیست در ارائه طرح خودمختاری یا فدرالی و یا جدا شدن، همگی در راستای بقای این زخم و تداوم ستم بر مردم در کردستان است چرا که با بقدرت رسیدن این احزاب، همان مناسباتی را برقرار خواهند کرد که هم اکنون دولت مرکزی برقرار کرده است. احزاب ناسیونالیست کرد، نماینده و سخنگوی بورژوازی کرد بوده و هستند. استثمار و ستم کشی در جای خود خواهد بود، تبعیض و نابرابری در میان زن و مرد، و

بسیاری جنبه های دیگر زندگی مردم دقیقاً شبیه آنچه‌ی خواهد بود که اکنون دولت مرکزی اعمال می کند.

کردستان عراق از این نظر نمونه برجسته ای از حاکمیت احزاب ناسیونالیست کرد است که توسط آمریکا بر کردستان و عراق گماره شده اند. امروز همان وضعی را مردم دارند که در دوران صدام حسین داشتند و بدتر از آن شیوع و سرایت ویروس جانوران اسلامی هم این سیستم کردی را تکمیل کرده است. در کردستان عراق تحت حاکمیت ناسیونالیسم کرد، زنان و دختران سنگسار می شوند، دفتر اتحادیه کارگران و تشکلهای کارگری را با زور اسلحه می بندند، فقر در میان جامعه بیداد می کند، بر روی کارگرانی که برای تحقق خواستههایشان تجمع می کنند تیر اندازی می کنند. هر انسان واقع بینی اگر بخواهد ماهیت احزاب ناسیونالیست و قوم پرست را که خواب خزیند به قدرت در کردستان ایران را می بیند، دریابد، باید حد اقل طی این چند سال حاکمیت احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق، این را دریافته باشد که این احزاب و جریانها، عمیقاً خطرناک و مضر به حال مردم و کل جامعه هستند.

اوضاع سیاسی و اجتماعی در کردستان، با اعتراضات کارگری، با مبارزات زنان، با برگزاری ۸ مارس و فستیوالهای دفاع از حقوق کودک تعریف می شود. اینها سیمای جامعه کردستان است که جوانان در آنجا با الگوهای فرهنگ غربی خود را تداعی می کنند. طرح رژیم تحت عنوان مبارزه با فرهنگ غربی و "بدحجابی" این حقایق را در جلو چشم همگان قرار داده است. بازداشت و دستگیری فعالین کارگری گویای رشد و جا افتادن سیمایی طبقه‌بندی و مبارزاتی در این عرصه و در این جامعه است. همه اینها گواه و دلالتی بر این است که

در چنین شرایط و موقعیت سیاسی اجتماعی در کردستان، کسی به سراغ کشور مستقل نمی رود. ما هم این را توصیه نمیکنیم. آیا زنان را بخاطر خودمختاری بازداشت و روانه زندان می کنند؟ آیا فعالین کارگری را بخاطر طرفداری از کشور مستقل می ربایند و زندانی می کنند؟ آیا

جوانان و فعالین اجتماعی را بخاطر پرچم کردستان به زیر شکنجه و اعدام می برند؟ پاسخ به همه اینها منفی است. چنانکه توضیح دادم، برای اینکه متوجه این امر شویم که خواست احزاب ناسیونالیست در کردستان چقدر خودنمایی می کند، باید به فضای اعتراضی و مبارزاتی جنبشهای اجتماعی نگاه کرد که خواست و مطالباتشان چیست. با توجه به اوضاع سیاسی و اجتماعی و مبارزاتی مردم در کردستان، کوچکترین تردیدی نباید کرد که برای ۹۵ درصد مردم کردستان، جدایی و یا کشور مستقل موضوعیت ندارد.

## گالکسی از یکی از شهرهای کردستان :

با سلام و درود فراوان به شما دوستان عزیز و ممنون از پاسخی که در صریح و مفیدتان چندتا سؤال داشتم که مطرح می کنم:

۱- آیا با وجود این همه فجایع دردنیای کنونی، دریک جامعه کمونیستی به وجود اسلحه (صرفاً برای دفاع از جامعه کمونیستی) نیاز است؟

۲- نظام دریک جامعه کمونیستی چگونه است؟ اگر ارتش انحلال یابد چه نوع نظامی جای آن را میگیرد و آیا نیازی به وجود افراد نظامی خواهد بود؟

۳- آیا شما با هر اعدامی مخالفید؟ مثلاً کسی که وحشیانه به دختر بچه کوچکی تجاوز می کند و بعد او را میکشد باید چگونه رفتار کرد؟ بعضی افراد اعمال آفندار شیع و وحشتناکی را انجام می دهند که حتی حیوان قادر به انجام این چنین اعمالی نیست متأسفانه از برکت وجود جمهوری اسلامی روزی روز به آمار این افراد اضافه می شود و هر روز شاهد جنایات و اعمال کثیفی هستیم که قلب هر انسان مدرن و متمدنی را به دردمی آورد بنظر شما با این افراد سادسی و مریض چطور باید رفتار کرد؟

پیرو زور سر بلند باشید.  
گالکسی  
به امید یک دنیای بهتر

**عبدل گلپریان :** گالکسی عزیز با درود به شما خوشحالم که پاسخ با سؤالات خوانندگان در

ایسکرا را صریح و مفید ارزیابی کرده اید.

در پاسخ به سئوال اول شما بگویم که یکی از عوامل مهم و بنیادی که این همه فجایع در دنیای کنونی را سبب شده است وجود اسلحه و سیاست تسلیحاتی دولتها و قدرتهای بزرگ است. بعد از پیدایش طبقات در جوامع پیشین، اسلحه فقط برای تامین منافع طبقات دارا و حاکم رشد و گسترش یافت. میخوام بگویم که اسلحه بجز دوران اولیه که در مقابل حیوانات بکار گرفته میشد، هیچگاه برای خدمت به بشریت طراحی نشده است. بلکه برعکس اگر به تاریخ گذشته تا به امروز نگاه کنی می بینیم که اسلحه تحت عنوان استفاده برای مقابله با دشمن، بیشترین کشتارها را از مردم گرفته است. از این رو وجود اسلحه در اصل ابزاری برای تامین منافع طبقات بالا دست در حاکمیت مورد استفاده

۱- آیا با وجود این همه فجایع دردنیای کنونی، دریک جامعه کمونیستی به وجود اسلحه (صرفاً برای دفاع از جامعه کمونیستی) نیاز است؟

۲- نظام دریک جامعه کمونیستی چگونه است؟ اگر ارتش انحلال یابد چه نوع نظامی جای آن را میگیرد و آیا نیازی به وجود افراد نظامی خواهد بود؟

۳- آیا شما با هر اعدامی مخالفید؟ مثلاً کسی که وحشیانه به دختر بچه کوچکی تجاوز می کند و بعد او را میکشد باید چگونه رفتار کرد؟ بعضی افراد اعمال آفندار شیع و وحشتناکی را انجام می دهند که حتی حیوان قادر به انجام این چنین اعمالی نیست متأسفانه از برکت وجود جمهوری اسلامی روزی روز به آمار این افراد اضافه می شود و هر روز شاهد جنایات و اعمال کثیفی هستیم که قلب هر انسان مدرن و متمدنی را به دردمی آورد بنظر شما با این افراد سادسی و مریض چطور باید رفتار کرد؟

پیرو زور سر بلند باشید.  
گالکسی  
به امید یک دنیای بهتر

اما در يك جامعه کمونیستی استفاده از اسلحه و وجود اسلحه معنا ندارد زیرا نه طبقه‌بندی وجود دارند که بخواد با استفاده از آن از

از صفحه ۵

## ادامه از میان نامه ها و سؤالات

خود دفاع کند و نه بشر نیاز به این همه انبار اسلحه و بمب و تجهیزات مخرب دارد. اما علیرغم میل ما تا محو طبقات، وجود اسلحه همچنان توجیه میشود و در مقابل دشمنان مسلح مردم همچنان نیاز به وجود اسلحه خواهد بود. البته در یک جامعه سوسیالیستی قبل از محو طبقات در جهان در مقابل کسانی یا دولتهایی است که بخواهند با زور اسلحه حاکمیت سیاسی مردم و شوراهایشان در این جامعه را بخطر بیندازند و در جهت محو و نابودی اش گام بردارند. به هر اندازه که خطر دشمنان طبقاتی جامعه کمونیستی را تهدید نکند، خاصیت و ضرورت اسلحه هم بتدریج از بین خواهد رفت. من فکر میکنم وجود تفنگ به دولت بستگی دارد تا وقتیکه دولت وجود دارد به این معنی است که طبقات هنوز از بین نرفته اند و تا هنگامیکه طبقات وجود دارند وجود اسلحه هم ضروری خواهد بود. اما ما کمونیستها اگر بتوانیم اینقدر قدرت و نفوذ داشته باشیم که کل اسلحه های کره زمین را از بین ببریم بسیار ایدئال خواهد بود. اما واقعیت این است که طبقات حاکم و امروز بورژوازی نمیخواهد خلع سلاح شود زیرا بدون اسلحه یک روز هم

نمی‌توانند حاکمیت کنند. بنابراین تا هنگامیکه طبقات دارا اسلحه در دست دارند کارگران و توده های تحت ستم هم ناچارند در مقاطع خاصی برای رسیدن به مطالبات و خواسته های خود و یا دفاع از داستاورد هایشان در مقابل طبقات دارا از آن استفاده کنند. در پاسخ به سؤال دوم شما بگویم که در جامعه کمونیستی و در همان مراحل اولیه برقراری حکومت سوسیالیستی، ارتش و نهادهای حرفه ای نظامی با فرمان دولت سوسیالیستی ملغی خواهد شد. وجود سیستم و نظام ارتش و آنچه که تا کنون در نظام های موجود سازماندهی شده است، عبارت از نیروی حرفه ای تحت عنوان "دفاع از میهن" که با پیشرفته ترین سلاحهای کشتار جمعی مجهز اند. تاریخ زندگی بشر تا به امروز نشان داده است که به محض هر گونه اعتراض، مبارزه و انقلابی در یک کشور، بلافاصله نیروی حرفه ای ارتشی و نظامی را به میدان آورده اند و توده های مردم معترض و قیام کننده را بشدت سرکوب کرده اند. برای یک جامعه کمونیستی که اصل و هدف خود را رشد و ارتقا و زندگی همه شهروندان را مد نظر

دارد و رشد فکری و شکوفایی جامعه را در برنامه خود دارد، داشتن نیروی نظامی حرفه ای موضوعیت ندارد. آنچه که برای ساختار مسلح یک جامعه کمونیستی قابل تعریف است، مسلح شدن و داشتن نیروی نظامی توده ای مردم است. به هر اندازه حکومت سوسیالیستی بتواند آگاهی سوسیالیستی و کمونیستی و همچنین زندگی اقتصادی و اجتماعی توده های مردم، کارگران و کل جامعه را ارتقا دهد، نیروی مسلح توده ای یا ملیس سازمان یافته، از جامعه کمونیستی حفاظت خواهد کرد. در یک کلام موجودیت نیروی مسلح توده ای در واقع با استفاده از اسلحه، باید از رفاه، سعادت، خوشبختی و از رشد و شکوفایی چنین جامعه ای در مقابل هر کس یا سازمان و دولتی که قصد تعرض به خوشبختی مردم را داشته باشد دفاع کند. در نتیجه و به این اعتبار که در بالا توضیح دادم، تسلیح توده ای مردم و کارگران بصورت سازمانیافته در محل زیست و کار خود، ساختاری است که می تواند از جامعه کمونیستی و دستاوردهای آن دفاع کند و دیگر هیچ نیاز و ضرورتی به داشتن ارتش، پلیس و افراد نظامی حرفه ای نیست. در پاسخ به سؤال سوم شما در

مورد اعدم. بله ما با هر اعدامی مخالف هستیم. برای پاسخ ریشه ای به اینکه کسی که (همان نمونه ای که شما اشاره کرده اید) به دختر بچه کوچکی تجاوز می کند و بعدا او را می کشد، راه پایان دادن به این تجاوز و کشتن، اعدام و یا اقدام مقابل به مثل نیست. با کشتن و اعدام کردن و تقاض گرفتن، پدیده های این چنینی نه تنها برطرف نخواهد شد بلکه افزایش هم خواهد یافت. مثلا به تاریخ نزدیک به سه دهه از حاکمیت رژیم اسلامی نگاه کنید که مناسبات، قوانین، ساختار و نگرش حاکم بر آن، هزاران انسان را به همان مسیری سوق داده و میدهد که به چنین اعمالی دست می زنند. محرومیت و محدودیتهای زندگی انسان در عدم برخورداری از یک زندگی معمولی و ابتدایی که توسط مناسبات و نظام حاکم ایجاد و برقرار گشته است، چنین نتایج دهشتناکی را برای شهروندان خلق می کند. بانی چنین وضعی حاکمیت موجود است که در مثال شما دختر خردسال و همچنین شخصی که به تجاوز و اعدام محکوم می شود هر دو قربانیان چنین نظامی هستند. خود شما بدست اشاره کرده اید که از برکت وجود نکبت بار رژیم جمهوری اسلامی، روز بروز به آمار این افراد

اضافه می شود. اما این افراد به نظر من در هر حال مجرم هستند. و باید محاکمه شوند. اما اعدام و نابودی فیزیکی آنها هیچ مسئله ای را حل نمیکنند. بلکه بر درد و زخم جامعه میافزاید. اگر سادیست و مریض اند معلوم است باید به پزشکان متخصص مراجعه کرد و جامعه نباید اجازه بدهد همین آدمهای مریض هم به دیگران صدمه بزنند. اما مریضی همه گیر جامعه ایران که همه این ناسامانیها را گسترش داده است وجود و بقای نظام جمهوری اسلامی است که با اتکا به قوانین فوق ارتجاعی و قرون وسطای اش، با تحمیل فقر و تنگدستی به مردم، با اشاعه فرهنگ مردسالارانه و ضد زن و ضد کودک در میان جامعه، خالق چنین اوضاعی است که دل هر انسانی را بدر می آورد. در یک جامعه آزاد و برابر و انسانی که همه شهروندان از نیازمندیهای موجود به طور مساوی بهره مند شوند، ما شاهد چنین فجایع دلخراشی نخواهیم بود. اگر هم چنین مواردی رخ دهد استثنا خواهد بود و جامعه فوری باید راه حلی برای پییدا کند. به یک معنی شمره یک جامعه سالم، انسانهای سالم خواهد بود. \* \* \*

## اخباری از شهرهای کردستان

**سندج** : هفته گذشته در سندج خیابان ۶ بهمن یک بمب صوتی در زیر اتوموبیل رئیس دادگستری اطلاعات سندج منفجر شد که منجر به زخمی شدن رئیس دادگستری اطلاعات و معاون او شد. بدنبال این انفجار شهر سندج تا روز بعد به حالت کاملاً نظامی درآمد. مسئولیت این انفجار را تا کنون کسی یا گروهی بر عهده نگرفته است و حدس و گمانها در سطح شهر سندج از این دلالت دارد که این انفجار کار خود رژیم است تا بدینوسیله از اوضاع ملتهد و جو اعتراضی که در سندج و دیگر

شهرهای کردستان علیه رژیم وجود دارد، فضای شهر را با این ترافندها نظامی کند و جو سرکوب و خفقان را بیشتر سازد. **سندج** : در ادامه موج سرکوب و اعدامها در ایران، روز ۲۵ اوت برابر با ۳ شهریور ۸۶ یک نفر به اسم فرشید شعبانی در زندان مرکزی سندج اعدام شد. اعدام و بگیر و ببند رژیم در سراسر ایران، موجی از تنفر و انزجار عمومی را در ایران و در سراسر جهان برانگیخته است. رژیم جمهوری اسلامی از سر استیصال و

درماندگی و برای ایجاد فضای رعب و وحشت و برای جلوگیری از ساقط شدنش توسط مردم معترض و بجان آمده، دارد آدم می کشد. باید در مقابل این توحش و بربریت ایستاد، باید اعتراضات وسیع و گسترده ای را علیه این آدم کشی برپا کرد.

ساکت کردن معلمان و در آغاز بازگشایی مدارس، یکی دیگر از تقلاهای بی ثمر رژیم اسلامی برای مقابله با خواست و مطالبات معلمان سراسر کشور است. اما از هم اکنون معلمان در سراسر کشور

دارند خود را برای شروع مبارزه ای وسیع و سراسری آماده می کنند. **کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران** ۲۸ اوت ۲۰۰۷ ۶ شهریور ۸۶

**یک دنیای بهتر**  
**برنامه حزب را بخوانید**  
**و در سطح وسیع توزیع کنید**

**از سایت های**  
**حزب کمونیست کارگری ایران**  
**دیدن کنید**

**www.wpiran.org**  
**www.rowzane.com**

**مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**